

## روح سرکش

...تباه شدن جامعه انسانی از زمانی صورت گرفت که مرد نیمه ای را ملاقات نمود که به او شباهت نداشت و زن با نیمه ای باقی ماند که با او متفاوت بود. و فکر میکنم که یک ازدواج نا همگون اغلب میوه پوسیده ای را عرضه میکند. جنایتکاران، تبهکاران، بیچارگان و همچنین انسانهای تنبل و بی هدف فرزندان بیزاری حاکم بر زندگی یک زوج هستند.

من چند نمونه از این اصول را در کتابم (روح سرکش) افشاء کرده ام. مردم و منتقدین در سوریه و مصر و همچنین در آمریکا، این آموزشها را غیر اخلاقی و مخرب خانواده تشخیص داده اند. چرا که تخریب خانواده ای که در پوچی و سیه روزی و نفرت و انزجار بسر می برد، خواسته قلب من است.

اگر می توانستم کانونهائی را نابود کنم که بر اساس تزویر و دورویی و فریب و دروغ در گردشند، حتی یک لحظه تردید نمی کردم.

آیا در بین دوستانتان سراغ دارید شوهر و یا زنی را که ایستاده در مقابل خورشید معترف باشد: "در حال حاضر من با نیمه واقعی ام زندگی میکنم، همانی که دست در دست من، در یک جرقه از آغوش خداوند بیرون جهیده ایم"؟

امروز جامعه شناسان در اروپا در جستجوی امکان بالا بردن میزان زاد و ولد هستند، بدون توجه به کانونی که این نطفه در آن بسته خواهد شد. اینکه بچه از نور عشق باشد و یا از ظلمت بیزاری و نفرت، چندان اهمیتی در چشمشان ندارد. مهم وجود بچه است. و این در چشم من جز جهل مطلق نیست. چه بهتر ملتی با یک ملیون جان زیبا و شکوفا تا ملتی با صد ملیون روح فاسد و منحط و تنبل.



قسمتی از نامه جبران خلیل جبران به یک دوست و نظرش در باره عکس العمل مردم و منتقدین در مورد کتاب: "روح سرکش". در یک قرن پیش

نویسنده و محقق: ژان پی یر دهدا

مترجم: فروغ طاعتی

تصویر از: پابلو پیکاسو

